

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه نهم: ۹۲ / ۹ / ۲۱

وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبْتُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَكَانُوا فِي آخِرَةِ عَذَابِ النَّارِ * ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ * مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ. (الحشر، الآی: ۵-۴-۳)

مقدمه

در بحث آیات اجتماعی قرآن، در مورد آیات سوره حشر بحث می کردیم.

درباره نتیجه مسائل سیاسی و اجتماعی که در راستای مشاقه با خداوند متعال و رسول می باشد، صحبت می کردیم. افرادی که با اوامر و نواهی خداوند متعال مخالفت می کنند، یا به خاطر منافع شخصی و یا به خاطر جریانها و گرایشهایی که دارند و در یک کلام در خط گرایش میولات نفسانی است. گاهی هم مخالفت با خداوند و رسول به خاطر این است که چون خدا گفته دشمنی می کند؛ به عبارت دیگر؛ چون خداوند متعال مطلبی را خواسته و یا نخواست است، با آن به مخالفت می کنند که به این حالت مشاقه می گوئیم.

همچنین بیان شدن کار یهودیان بنی نضیر جزء همین حالت یعنی مشاقه با خداوند متعال و رسولش بود و لذا طبق سنت الهی دچار عذاب در دنیا و آخرت شدند.

هر پیامبری که مبعوث به رسالت شده است، قبل از مبعوث شدن مورد عنایت و توجه و اعتماد مردم زمانه بوده است مانند: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که به محمد امین مشهور بودند و یا حضرت موسی (علیه السلام) که یک فرد با غیرت و چشم پاک بودند و ... همچنین گفتیم مشاقه با رسول همان مشاقه با خداوند متعال است.

حال بحث در این است که چرا این افراد به مشاقه با خداوند متعال و رسول برمی خیزند. آیا قبول ندارند که خداوند متعال آنها را خلق کرده و به آنها نعمت داده است؟ علتش این است که در زندگی اجتماعی، دو جریان وجود دارد.

۱. جریان منفعت محور.

۲. جریان تکلیف محور.

توضیح اینکه؛ فعالیتهای اجتماعی انسان یا بر اساس تکلیفی است که احساس می کنند، چه تکلیفی که از ناحیه خداوند متعال است و چه تکلیفی که از ناحیه قراردادها و قوانین است و یا بر اساس منفعت شخصی است و اصلاً کاری به تکالیف الهی و یا تکالیف جامعه ندارند.

در جامعه اسلامی، مسلمین و مؤمنین از جانب تکالیف الهی، مکلف به یک سری قوانین هستند و نباید نسبت به یکدیگر بی تفاوت باشند. لذا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

من أصبح و لم يهتم بأمور المسلمين فليس بمسلم. (أساس الحكومة الإسلامية؛ ص: ۱۹۱)

کسی که صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهمیتی نمی دهد، مسلمان نمی باشد. یک عده مردم که در جامعه کار می کنند، بر اساس تکلیفی که احساس می کنند، فعالیت خود را در زمینه سیاسی و اجتماعی و ... انجام می دهند. در مقابل عده ای دیگر از مردم هستند که جریان قدرت محور را تشکیل می دهند؛ این گروه بر اساس منافع شخصی خود و در راستای طلب قدرت، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و ... خود را تنظیم می کنند.

جریان قدرت محور مخصوصاً در جامعه دینی سرنوشتش این است که در نهایت به مشاقه با خداوند متعال و رسول، ختم می شود. زیرا مسائلی که خداوند متعال و رسول خواسته اند همیشه با منافع شخصی و قدرت طلبی افراد منطبق نمی باشند؛ بلکه نوعاً اینطور است که حدود شرعی، مانع منفعت طلبی شخصی می باشد و لذا گروهی در جامعه دینی پیدا می شوند که برای رسیدن خود به قدرت، نه تنها حدود الهی را خود رعایت نمی کنند، بلکه در پی براندازی آن حدود و ارزش دینی حرکت خود را تنظیم می کنند و این همان مشاقه با خداوند متعال و رسول است و این گروه ممکن است مسلمان هم باشند. برای نمونه می توان به افرادی که در سقیفه و یا جمل و یا نهروان و ... جمع شدند، اشاره کرد و این یک اصل کلی است که در جریان‌های سیاسی، گروه منفعت محور یک روزی دشمن خداوند متعال خواهد شد و لذا باید از همان روز اول با آن به مبارزه پرداخت؛ زیرا در غیر این صورت این گروه و افراد رشد کرده و چه بسا دیگر نتوان جلو آنرا گرفت.

در مشاقه با خداوند متعال و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) در این سه آیه دو نکته را به عنوان سرنوشت مشاقه معرفی کرده است.

۱. موضع شدید العقاب بودن خداوند متعال کجاست؟ اینکه خداوند متعال شدید العقاب است

یعنی چه؟ آیا فقط در آخرت است و یا در دنیا؟ و یا در هر دو عرصه است؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: این شدید العقاب بودن خدا هم در دنیا است و هم در آخرت و لذا می بینیم ظالمان و مستکبران در همین دنیا هم دچار رنج و عذاب هستند. لذا منحصر کردن شدت عقاب خداوند متعال به دنیا و یا آخرت درست نیست.

در دعای شریف افتتاح اینطور می خوانیم:

إِيقَنْتُ أَنْكَ أَنْتَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقْمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظْمَةِ ... (الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۱، ص: ۱۳۳)

خداوند متعال ارحم الراحمین است و مظهر این ارحم الراحمین بودن خداوند متعال، عفو و رحمت است و نیز اشد المعاقبین است و مظهر اشد المعاقبین بودن خداوند متعال، نکال و نقت است.

نکال از نکلت الدابة است؛ زمانی که دست و پای یک حیوان را می بندند، می گویند: انکلت الدابة. وقتی حیوان را می بندند دیگر نمی تواند کاری انجام دهد.

پس نکال یعنی عذابی که دیگر فراری از آن نمی باشد و تمام امکانات چاره جویی از فرد یا حیوان گرفته می شود.

نکال اسم فعل نکل است؛ یعنی قدرت چاره جویی را گرفتن.

راغب اصفهانی می گوید: نکال چیزی است که انسان را بیچاره می کند و او را به منتهای عجز برساند و این مظهر اشد المعاقین بودن خداوند متعال است.

مظهر دیگر اشد المعاقین بودن خداوند متعال نقت است.

نقت زمانی است که بخواهیم کسی را به عقوبت یادآوری کنیم و بخواهیم انواع عذابها را به وی گوشزد کنیم. انتقام هم از همین ماده است.

نتیجه عناد و مشاقه با خداوند متعال، نکال و نقت است؛ یعنی به نقطه ای می رسند که دیگر راه چاره ای ندارند و سرانجام آنها گرفتاری به نقت و عذاب است؛ حال این عذاب یا در دنیا است و یا در آخرت و یا در هر دو جا. در مورد یهودیان بنی نضیر، باید گفت: آنها دچار هر دو نوع عذاب و نقت شدند؛ هم عذاب دنیوی و هم عذاب اخروی.

۲. سرنوشت دوم مشاقه با خداوند و رسول، خزی فاسقین می باشد که خداوند متعال در آیه پنجم همین سوره می فرماید: مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَ لِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ.

شما هیچ نخل خرمایی را قطع نکردید و یا آنرا سرجایش نگذاشتید مگر به اذن خدا.

شأن نزول این آیه این است که وقتی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور دادند درختان خرما را قطع کنند عدّه ای از خود مسلمین و نیز دیگران به این کار اعتراض کردند، این آیه نازل شد و بیان داشت همه آنچه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داده است، از جانب خداوند متعال بوده است. در این سه دسته روایت را بررسی می کنیم.

دسته اول؛ برخی گفته اند: درختان خرما دو گونه بودند، گونه ای از درختان خرما لونه یا همان لینه (غیر مرغوب) می داد و گونه ای خرما عجوه (مرغوب) می داد. درختان لونه را قطع می کردند و درختان اجور را قطع نه.

دسته دوم؛ روایتی از فخر رازی به این مضمون؛ در جریان بنی نضیر، گروهی درختان مرغوب را قطع می کردند و گروهی دیگر این نوع درختان را قطع نمی کردند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به گروهی که قطع نمی کردند فرمود: چرا این درختان را قطع نمی کنید؟ آنها در جواب گفتند: به خاطر اینکه ما می دانیم شما این نوع خرما را دوست

دارید و لذا آنرا قطع نمی کنیم. سپس رسول اکرم به آن گروه دیگر که این نوع درختان را قطع می کردند، فرمودند: شما چرا این درختان مرغوب را قطع می کنید؟ آنها پاسخ دادند: ما می دانیم که شما به این نوع خرما علاقه دارید ولی از طرف دیگر دوست نداریم این نوع خرما دست دشمن شما باشد تا بدین وسیله از لحاظ اقتصادی قوی گردند و علیه شما کینه توزی کنند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) حرف هر دو گروه را پذیرفت. سپس فخر رازی از بیان این روایت، استفاده می کند که اصحاب رسول الله همگی مجتهد بوده اند تا آنجا که عملکرد آنها مورد رضایت ایشان بوده است و بدین وسیله توجیه می کند کسانی که پشت درب منزل حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) جمع شدند و آن کار ناشایست را کردند، کار درستی کردند؛ زیرا به اجتهاد خود عمل کرده اند. این روایت فخر رازی فاقد سند است و حتی خود اهل سنت هم آنرا رد کرده اند. دسته سوم؛ روایتی از امام صادق (علیه السلام)؛ ایشان می فرمایند: لونه یا همان لینه، همان عجووه؛ خرمای مرغوب است. و اما اینکه برخی از درختان قطع شدند و برخی قطع نشدند، ربطی به مرغوبیت و یا غیر مرغوبیت نوع خرما ندارد.

اکنون متن روایت:

... عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ سَالِمِ بْنِ مُكْرَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ الْعَجْوَةُ أُمَّ التَّمْرِ وَ هِيَ الَّتِي أَنْزَلَ بِهَا آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينِهِ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا يَغْنَى الْعَجْوَةَ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ أَصْلُ التَّمْرِ كُلُّهُ مِنَ الْعَجْوَةِ. (المحاسن للبرقي؛ ج ۲، ص: ۵۳۰)

در رابطه با خرمای عجووه روایتی را از وجود نازنین امام رضا (علیه السلام) ذکر می کنیم. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاعِ قَالَ كَانَتْ نَخْلَةُ مَرْيَمَ الْعَجْوَةَ وَ نَزَلَتْ فِي كَأُونٍ وَ نَزَلَ مَعَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ الْعَتِيقُ وَ الْعَجْوَةُ مِنْهُمَا تَفَرَّقَ أَنْوَاعُ النَّخْلِ. (المحاسن للبرقي؛ ج ۲، ص: ۵۳۰)

عجووه همان درختی است که حضرت مریم به آن تناول فرمودند و حضرت آدم (علیه السلام) آنرا با خود از بهشت آوردند و انواع دیگر خرما از این نوع بدست آمد. در روایتی از وجود نازنین امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: کسی که هر روز به اندازه شیره هفت عدد خرما از نوع عجووه بخورد، هیچ سمّ و شیطان (جن = ویروس) به او ضرر نمی زند.

... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقْطِينِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مُصُورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ أَكَلَ فِي يَوْمٍ سَبْعَ عَجْوَاتٍ تَمَّرٍ عَلَى الرِّيقِ مِنْ تَمْرِ الْعَالِيَةِ لَمْ يَضُرَّهُ سَمٌّ وَ لَا شَيْطَانٌ. (بحار الأنوار؛ ج ۶۳، ص: ۱۴۴)